
تبیین اصل اخلاقی احترام به کرامت هم نوعان در فضای مجازی براساس آیات قرآن و روایات معصومین(ع)

حمیده بهروز مقدم^۱

دکتر ابراهیم کلانتر^۲

چکیده

«حق کرامت» یا حرمت داشتن شخص در جامعه، همانند «حق حیات» از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. در فضای مجازی نیز این حق جایگاه ویژه‌ای دارد. به دلیل ویژگیهای فضای مجازی، رعایت این اصل اخلاقی در فضای مجازی کم رنگ می‌باشد. حتی گاهی افرادی که در دنیای واقعی افرادی مبادی آداب می‌باشند، در فضای مجازی اعمالی خارج از شأن واقعی خود انجام می‌دهند. این مقاله سعی در تبیین اهمیت این اصل اخلاقی در فضای مجازی و از منظر آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) دارد.

کلیدواژگان: کرامت، فضای مجازی، اخلاق در فضای مجازی، اخلاق در قرآن، اخلاق در روایات معصومین(ع)

^۱ دانشجوی دکتری دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران
^۲ دانشیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران

مقدمه

«حق کرامت» یا حرمت داشتن شخص در جامعه، همانند «حق حیات» از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. انسان یک «موجود اجتماعی» است و وقتی می‌تواند به رشد و تکامل خویش ادامه دهد که بتواند از مواهب الهی اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بهره‌مند باشد. بنابراین برای ایجاد زمینه مناسب جهت تکامل انسان اولاً می‌بایست احترام اجتماعی انسان که نیاز طبیعی و فطری اوست حفظ گردد و مورد اهانت و تحقیر واقع نگردد. انسانی که هتک حرمت شود و توهین و تحقیر در مورد او روا داشته شود احساس شخصیت نخواهد کرد و از نظر روانی دچار اضطراب، تزلزل و یأس خواهد شد (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱)، جلد ۱، صفحه ۲۶۰).

رعایت حرمت و شأن انسانها یک اصل مسلم اخلاقی است و هیچ کس حق ندارد به هر دلیلی به شکستن حرمت و کرامت انسانها اقدام نماید. در نگاه اسلام نیز انسانها در هر جایگاه و موقعیت اجتماعی قرار داشته باشند صاحب حرمت و کرامتند و دیگران نمی‌توانند حرمت و منزلت آنان را شکسته و به تحقیر آنان بپردازند.

احترام انسان در جامعه به عنوان یک «اصل» مورد پذیرش اسلام بوده و در این باره تأکیدات فراوانی صورت پذیرفته است. اسلام، اگر نه بیش از همه مکتب‌ها، دست کم در ردیف سایر مکتب‌ها حق کرامت و احترام اجتماعی انسان را معتبر و ضروری می‌داند (همان، صفحه ۲۶۱).

توجه به این اصل در فضای مجازی که جزء لاینفک زندگی بشری حال حاضر می‌باشد، بسیار اهمیت دارد. فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص خود مخصوصاً به دلیل امکان تغییر هویت و استفاده از هویت مجعول، امکان مناسبی را برای بد اخلاقی‌ها و بی اخلاقی‌ها فراهم نموده است.

بیان مسئله

چیستی کرامت

کرامت در لغت معانی مختلفی دارد. مهم ترین آنها عبارتند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه کرامت) در دایره المعارف انگلیسی آکسفورد، در مورد معنای واژه «کرامت»^۱ چنین آمده است: «واژه کرامت (Dignity) از عبارت لاتینی "Dignitas" گرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام است.^۲

کرامت انسانی پایه ای ترین مفهوم بنیادین در تدوین حقوق بشر است و توجه به این مفهوم در اغلب نظام های سیاسی با اختلاف نظرها و تفاوت هایی مدنظر اندیشمندان و حقوقدانان همراه بوده است. (اسماعیلی، سیفی، محسن، محمد مهدی، ۱۳۹۷)، "مولفه های کرامت ذاتی انسان در اندیشه علامه طباطبایی"

کرامت انسانی عبارت از «ارج و حرمتی است که انسان، از آن رو که انسان است، از آن برخوردار شده است. این برخورداری ارتباطی با عقیده، رنگ، نژاد و مانند اینها نه دارد و حتی با ارتکاب جنایت و انکار و نافرمانی خداوند نیز این منزلت از آدمی سلب نمی‌شود.» (نوربهار، رحیم، ۱۳۸۴)، "دین و کرامت انسانی"

کرامت در قرآن کریم

^۱ Dignity

^۲ Oxford English Encyclopeida, p.۳۹۸

خداوند آنچنان عزت و کرامتی بر انسان قائل است که امر می کند فرشتگان بر او سجده کنند (سوره بقره، آیه ۳۴)، این نشان از جایگاه انسان در نزد پروردگار می باشد. علامه محمدتقی جعفری، کرامت انسانی را در دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی دانسته و می نویسد:

در اسلام دو نوع کرامت برای انسان ها ثابت شده است که عبارت است از:

۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند.
۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است. (علامه جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۰)، "حق کرامت انسانی"

آیات متعددی در قرآن کریم، دال بر کرامت ذاتی عموم انسانها دارد از جمله در آیه ۱۴ سوره مؤمنون خداوند متعال وقتی مراحل خلقت انسان را از نطفه تا دمیده شدن و نفخ روح می فرماید و وقتی به مرحله آخر می رسند «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» پس از این مرحله می فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» همان طور که قبل از آن فرموده بودند «أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»، یعنی سنخ دیگری از خلقت در این مرحله به وجود می آید به خاطر مرتبه وجودی و بلندمرتبه و عالی بودن این مرتبه از خلقت، خداوند متعال به خودشان احسن می فرمایند و خودشان را برای این نحوه از خلقت می ستایند. یا در آیه ۴ سوره تین می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.

در سوره اسراء آیه ۷۰ خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» خداوند می فرماید: ما نوع آدم را (انسانها) را کریم (بزرگ) داشتیم که ما نوع انسانی را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

از این آیه استنباط می شود هر کمالی که در دیگر موجودات هست، حدّ اعلاّی آن در بشر وجود دارد. این کرامت یک وجه عمومی و کلی دارد که همه انسان ها را شامل می شود؛ از این رو حتی انسان های مشرک، کافر و فاسق از این نوع کرامت برخوردار می باشند. علامه جعفری در خصوص این آیه می فرماید:

این آیه با کمال صراحت اثبات می کند که خداوند متعال فرزندان آدم (ع) را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر مقداری فراوان از کاینات برتری داده است. به همین دلیل قاطع و صریح، افراد انسانی باید این کرامت و حیثیت را برای همدیگر به عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند. منشاء این «کرامت ذاتی» عبارت است از رابطه بسیار مهم و با ارزش خداوندی با انسان که از آیه شریفه: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و در او (انسان) از روح خود دمیدیم (سوره حجر، آیه ۲۹)، می باشد و با این تکریم بسیار با عظمت او را شایسته سجده فرشتگان فرمود و هم چنین منشاء این کرامت عبارت است از صفات و نیروها و استعدادها بسیار با اهمیت که آدمی با به کار انداختن آنها و تکاپوی مخلصانه در مسیر «حیات معقول» به اتصاف به کرامت عالی ارزشی نائل می گردد.

از این آیه شریفه استفاده می شود که افراد انسانی به اضافه حق حیات، و تکلیف دیگران به مراعات آن، دارای حق «کرامت ذاتی» می باشند و مادامی که خود انسان آن کرامت و حیثیت را به جهت جنایت و خیانت بر خویشتن یا بر دیگران، از خود سلب نکند، دیگران مکلف به مراعات این حق می باشند، همان گونه که مکلف به مراعات حق حیات یکدیگر هستند. (علامه جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۰)، "حق کرامت انسانی"

همچنین خداوند می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ ۚ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ ۚ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید مانند آن که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد؛ مثل این ریاکاران بدان ماند که دانه را (به جای آنکه در زمین قابلی افشانند) بر روی سنگ صاف

غبار گرفته‌ای ریزند و تند بارانی غبار آن بشوید و آن سنگ را همان طور صاف و بی‌گیاه به جای گذارد، که نتوانند هیچ حاصلی از آن به دست آورند. و خداوند گروه کافران را راه (سعادت) ننماید. (سوره بقره، آیه ۲۶۴)

این آیه نشانگر آن است که خداوند به عزت نفس و حفظ شأن انسان ارزش قائل شده و می‌گوید که اگر منت و آزاری در پی صدقه دادن داشته باشید، آن صدقه هیچ ارزشی نداشته و برایتان سودمند نخواهد بود و منت تمام اثرات صدقه را مانند بارانی تند شسته و می‌برد. نکته جالب آن این است که چنین افرادی در زمره کافران خواهند بود چرا که کسی که به یقین به خدا ایمان دارد، ریا نخواهد داشت.

هم چنین در آیات دیگری بر این مسئله تأکید شده که آن چه در آسمان و زمین است، برای انسان مسخر گشته و یا این که برای او خلق شده است: *أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۗ* . آیا مشاهده نکرده و نیاندیشیدند که به راستی خداوند آن چه را در آسمان ها و زمین است برای شما مسخر ساخته و نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور کامل بر شما فرو ریخت. (سوره لقمان، آیه ۲۰)

اینها همه نشان گر کرامت، شرافت و برتری انسان بر سایر موجودات و مخلوقات هستی است.

کرامت در روایات

امام علی (ع) اصل کرامت را به زیبایی به مالک اشتر (به عنوان کارگزار آن حضرت در مصر) متذکر گردیده و چنین می‌فرماید: «*وَاللُّطْفُ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ*» با مردم مهربان باش و چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند یا برادر دینی تو هستند یا همانندان تو در آفرینش. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

علاوه بر نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر که در ابتدای این بخش به آن اشاره شد، در حدیثی دیگر از ایشان می‌خوانیم: «*إِنَّ مَشَى الْمَاشِي مَعَ الرَّكَابِ، مَفْسَدَةٌ لِلرَّكَابِ وَمَذَلَّةٌ لِلْمَاشِي.*» همراهی کردن پیاده به دنبال سواره موجب انحراف و فساد سواره گشته و ذلت و خواری مؤمن را سبب می‌شود. (اصول کافی، جلد ۶، صفحه ۵۴۰، حدیث ۶)

این حدیث نشانگر آن است که مولای متقیان تا چه اندازه بر حفظ کرامت انسانها دقت داشته اند.

همچنین می‌فرمایند: *مِنَ الْحِكْمَةِ طَاعَتَكَ لِمَنْ فَوْقَكَ، وَإِجْلَالُكَ مَنْ فِي طَبَقَتِكَ، وَإِنصَافُكَ لِمَنْ دُونَكَ.* از نشانه های حکمت، فرمانبرداری از بالادست، و احترام گذاردن به هم‌تایان، و انصاف نسبت به پایین‌دستان است. (غررالحکم، حدیث ۹۴۲۲)

البته کرامت انسان بر دو نوع است، یکی کرامت ذاتی که هر انسانی به سبب انسان بودن از آن برخوردار است و دیگری کرامت اکتسابی که هر فرد به واسطه رفتار و اعمال خود به آن می‌رسد. در حدیث جالبی از امام صادق(ع) می‌خوانیم: *عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ فَقَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً بِلَا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلَا عَقْلِ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.* عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) پرسید که ملائکه برترند یا انسانها و امام پاسخ داد: امام علی(ع) فرمود: خداوند به فرشتگان فقط عقل داد بدون شهوات، در حیوانات شهوت بدون عقل آفریده و در انسانها عقل و شهوت را به هم آمیخته است. هر کسی که عقلش بر شهوتش غلبه کند از فرشتگان برتر و هر کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند از حیوانات پائین تر است. (بحارالانوار، جلد ۵۷، صفحه ۲۹۹)

گونه های کرامت

کاربران فضای مجازی همه روزه شاهد حرمت شکنی های فردی و اجتماعی هستند که گاه در بازتاب هایی در سطح جهانی دارند. این توهین ها را می توان با عناوین ذیل دسته بندی کرد:

توهین به انسانها

تهمت و افترا زدن

غیبت دیگران

تمسخر افراد

توهین به انسانها

یکی از هنجارشکنی های تاسف بار در فضای مجازی، فحاشی و توهین به افراد است که این روزها بسیار آن هستیم، صفحات شبکه های اجتماعی جولانگاه حرکت سخیفی است که با زیرپا گذاشته شدن اصول اولیه ادب و نزاکت اجتماعی تعریف و معنا می شود .

خداوند در آیه ۱۰۸ سوره انعام ناسزا گویی آن هم به دشمنان الهی را نهی می کند^۱، پیامبر اکرم (ص) نیز دشنام دادن را سب فزونی دشمن در میان مردم می داند: لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ؛ به مردم ناسزا نگوئید، که با این کار در میان آنها دشمن پیدا می کنید. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۶۰، حدیث ۳) همچنین می فرمایند: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيءٍ قَلِيلِ الْحَيَاءِ- لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ. خداوند بهشت را بر هر فحاش بد زبان بی شرمی که باکی ندارد چه گوید و چه شنود، حرام کرده است. (همان، جلد ۲، صفحه ۳۲۳، حدیث ۳) حضرت علی (ع) در جنگ صفین به سربازان خود توصیه می کرد که به پیروان معاویه دشنام و ناسزا نگویند، بلکه سیمای آنان را مطرح کنند که بهتر از دشنام است (نهج البلاغه، کلام ۲۰۶) و در حدیثی می فرمایند: سَنَّهُ اللَّيْثَامُ قُبْحُ الْكَلَامِ؛ سنت و منش انسان های پست بدگویی و بدزبانی است. (غررالحکم، صفحه ۲۲۳)

ناسزاگویی و توهین به انسانها حتی افرادی که عملا به دشمنی با خدا می پردازند، امری مذموم در تعالیم اسلامی می باشد، لیکن این امر ناپسند در فضای مجازی رواج داشته و متأسفانه رو به گسترش می باشد. بسیاری از کاربران دنیای مجازی از این روش ناپسند برای تخریب اشخاصی که مورد علاقه و پسندشان نیستند، استفاده می کنند و در قالب درج کامنت ها و نظرات توهین آمیز دست به انتقاد می زنند یا حتی آبرو و حیثیت فردی را به بازی می گیرند.

از جمله موارد تاسف بار در این خصوص می توان به هجوم تعداد زیادی از کاربران به صفحه شخصی افراد و توهین و فحاشی به منظور اعلام ناراحتی خود از آن فرد می باشد. مثلاً عدم رضایت از عملکرد یک داور در یک مسابقه فوتبال موجب می گردد صدها هزار نفر در صفحات مربوط به آن فرد از کلمات و عبارات ناشایست استفاده نمایند. البته با کمال تاسف باید گفت که کاربران ایرانی در انجام چنین اعمال ناشایستی شهرت جهانی پیدا کرده و بارها این کار را تکرار کرده اند. حتی در یک مورد در یک بازی بین دو تیم غیر ایرانی، به دلیل خطای یک بازیکن از یک تیم بر روی بازیکنی از تیم دیگر که امری متداول در حین بازی می باشد، در یک حرکت غیر اخلاقی، چندین هزار کاربر ایرانی به صفحه فرد خطاکننده رفته و فحاشی کردند. بازتاب چنین مسائلی موجب تخریب وجهه بین المللی کشور اسلامی و مذهبی می گردد.

روش شناسی

این پژوهش با توجه به نوع موضوع و متغیرهای پژوهش از نوع تطبیقی می باشد. با مطالعه اسناد و کتب مذهبی و همچنین تفسیرهای متفاوت از قرآن کریم و مطالعه آیات و روایات و انطباق آیات قرآن با مفاهیم جامعه شناسی و مفاهیم اجتماعی کرامت و فضای مجازی پرداخته شده است. برای این کار ابتدا به دسته بندی کتب (مفاهیم جامعه شناسی، آسیب های اجتماعی، قرآن و تفسیرها و کتب مذهبی) پرداخته شد و سپس پاراگراف های مرتبط با متغیرهای پژوهش شناسایی و دسته بندی شد و در نهایت مفاهیم کلیدی از دل سنجه های حاصل شده از مرحله قبل استخراج و در نهایت با آیات قرآن کریم و تفسیرهای آن مطابقت داده شد.

یافته ها

یافته های پژوهش از مفهوم تهمت و افترا زدن بهتان و افتراء عبارتست از اینکه انسان در حق غیر به چیزی که راضی نیست دروغ بگوید به عبارت دیگر چیزی را به دروغ به دیگری نسبت دهد و شخصی که مرتکب گناه و عمل زشتی نشده به انجام آن متهم کند و یا عیب و نقصی را که در او نیست به او بچسباند و فرقی نیست که این نسبت دروغ در حضور او باشد یا در غیاب. بهتان و تهمت از گناهان کبیره است و در قرآن مجید به شدت از آن نهی، و عذاب شدیدی برای آن ذکر گردیده که به آن اشاره خواهد شد.

^۱ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

در حقیقت بهتان بدترین نوع دروغ است و چنانچه اتهام شخص در غیاب وی باشد غیبت هم بشمار می‌آید و انسان در واقع مرتکب دو گناه شده است یکی دروغ و دیگری غیبت و بزرگ‌ترین ظلم در حق برادر مؤمن آنست که او را متهم به ارتکاب گناهی کنی که هرگز آنرا انجام نداده است. بهتان باصطلاح همین برچسب زدن به این و آن است که متاسفانه همواره در جوامع بشری مطرح بوده و امروزه نیز بزرگترین ابزار دشمنان و مخالفان است.^۱

همانگونه که گفته شد، تهمت نوعی دروغ است و تمام موارد گفته شده در مورد دروغ، در مورد تهمت نیز وارد است. لیکن به دلیل تاکید بر اهمیت و زشتی عظیم تهمت، به عنوان یک اصل دوری از آن را آورده ایم. تهمت دو صورت دارد:

الف - افتراء: تهمت زننده با علم و آگاهی، گناه یا عیبی را به شخصی نسبت می‌دهد یعنی می‌داند که آن شخص دارای این عیب نیست و یا این گناه از او صادر نشده است مع الوصف آن را به او نسبت می‌دهد و حتی گاهی خود او مرتکب عمل زشتی شده ولی برای نجات خود از گرفتاری و فرار از مجازات آنرا به دیگری نسبت می‌دهد، که در اصطلاح به آن افتراء گویند.

ب - بهتان: تهمت زننده بدون علم بلکه از روی ظن و گمان چیزی را به شخصی نسبت می‌دهد که در اصطلاح به آن بهتان گویند. ریشه‌ی بهتان همان سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران است که موجب می‌شود هر کاری که از دیگران صادر شود آنرا حمل بر فساد و بدی کند. و اکثر تهمت‌ها بخاطر ناآگاهی و سوء ظن است.^۲

هر رفتاری از مجموعه رفتارهای انسان که در جامعه پدیدار می‌شود، به دو گونه قابل تفسیر و برداشت است. برداشتی خوب و مثبت و برداشتی بد و منفی. در تهمت، انسان از رفتار، گفتار یا حالت دیگری، برداشت بد و منفی می‌کند که البته این برداشت، گاه به خود رفتار باز می‌گردد به این معنا که خود رفتار، ناپسند و ناشایست تلقی می‌شود و گاه از آن رفتار، صفات درونی و ویژگی‌های ناپسند برداشت می‌شود بی آن که خود رفتار بد و ناپسند باشد که در این صورت، رفتار، فقط به منزله آینه و نمای آن صفت درونی گرفته می‌شود؛ یعنی گاه تهمت درباره زشتی ذات عمل و خود رفتار است و گاه عمل و رفتار پلی قرار داده می‌شود تا برخی از زشتی‌های درونی به شخص نسبت داده شود. تهمت و بهتان از آفاتی هستند که اثر تخریبی آن‌ها در روابط بین فردی به مراتب بیشتر از دیگر آسیب‌های گفتاری است به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نابود کننده روابط اجتماعی و ناپسندترین بیماری‌های زبان هستند و براساس آنچه که اسلام برای ما از زندگی در دنیا و آخرت ترسیم می‌کند این‌گونه آسیب‌ها در سبک زندگی اسلامی جایی ندارد.

روشن است که اگر چنین کاری در جامعه رایج شود، امنیت و آبروی افراد تهدید می‌شود. در اجتماعی که افراد آن، به خود حق بدهند که به دیگران تهمت بزنند و نسبت‌های دروغ و ناروا به آنان بدهند، اعضای آن، احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند، پیوسته در اضطراب به سر می‌برند، نسبت به هم احساس بدبینی می‌کنند و با این وضع، جامعه رو به ویرانی می‌نهد. چنین افرادی نمی‌توانند با هم مهربان باشند و نمی‌توانند همکاری، همیاری و هم‌زیستی خوبی داشته باشند و در راه تحقق اهداف اسلام با هم تلاش کنند.^۳

قرآن تهمت را گناهی آشکار می‌داند: وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود سپس بیگناهی را متهم سازد بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. (سوره نساء، آیه ۱۱۲)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. و آنها که مردان و زنان با ایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می‌دهند متحمل بهتان و گناه آشکاری شده‌اند. (سوره احزاب، آیه ۵۸)

تهدیه موجب خشم الهی و ذلت در زندگی دنیایی خواهد شد: إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ. آنها که گوساله را (معبود خود) انتخاب کردند به زودی خشم پروردگار و ذلت در زندگی دنیا به آنها می‌رسد، و اینچنین کسانی را که (بر خدا) افتراء می‌بندند کیفر می‌دهیم. (سوره اعراف، آیه ۱۵۲)

^۱ دانشنامه حوزوی، <http://wikifeqh.ir/>، تهمت

^۲ پایگاه تخصصی مسجد، <http://www.masjed.ir/fa/article/1246> تهمت-زنند

^۳ خبرگزاری بین المللی قرآن، <http://iqna.ir/fa/news/2677788> تهمت-از-نگاه-قرآن-گناهی-که-نابود-کننده-روابط-اجتماعی-است

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِنَتَفَتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾ بخاطر دروغی که زبانهای شما توصیف می‌کند نگوئید این حلال است و آن حرام، تا بر خدا افترا ببندید، کسانی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نخواهند شد. (۱۱۶) بهره کمی در این دنیا نصیبشان می‌شود، و عذاب دردناکی در انتظار آنها است. (۱۱۷) (سوره نحل، آیات ۱۱۶-۱۱۷)

تبعات تهمت صرفا در دنیا نبوده و موجب عذاب اخروی نیز خواهد شد: إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. کسانی که زنان پاکدامن و بیخبر (از هر گونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند، و عذاب بزرگی در انتظارشان است. (سوره نور، آیه ۲۳)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ بگو آیا روزیهائی را که خداوند بر شما نازل کرده مشاهده کردید که بعضی از آنرا حلال و بعضی را حرام کرده اید بگو آیا خداوند به شما اجازه داده یا بر خدا افترا می‌بندید؟ (و پیش خود تحریم و تحلیل می‌کنید). (۵۹) آنها که بر خدا افترا می‌بندند درباره (مجازات) روز رستاخیز چه می‌اندیشند؟ خداوند فضل (و بخشش) نسبت به همه مردم دارد، اما اکثر آنها سپاسگزاری نمی‌کنند (۶۰) (سوره یونس، آیات ۵۹-۶۰)

خداوند در آیات ۱۱ تا ۱۸ سوره نور از گمان بد بر حذر می‌دارد و این که مسئله ای را بر اساس ظن و گمان خود مطرح نکنید و شنیده ها را بدون یقین تکرار نکنید. نکته دیگر این آیات این است که گمان مبرید چون شما صرفا نقل قول می‌کنید، گناهی بر شما نیست، بلکه شما نیز در این گناه بزرگ سهیم بوده و عواقب گناه دامنگیر شما نیز خواهد بود. ۱

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: مَنْ بَهَّتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّىٰ يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِيهِ. هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند یا درباره او چیزی بگوید که از آن مبراست خداوند در روز رستاخیز وی را بر تلی از آتش نگه دارد تا از حرف خود درباره او برگردد. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۹۴)

همچنین ایشان بهتان را از نشانه های انسان فاسق می‌دانند: ... وَأَمَّا عَلَامَةُ الْفَاسِقِ فَأَرْبَعَةٌ: اللَّهُو، وَاللَّغْوُ، وَالْعُدْوَانُ، وَ الْبُهْتَانُ. (همان، جلد ۱، صفحه ۱۲۰)

حضرت علی (ع) نیز بهتان را بزرگ تر از آسمان دانسته ۲ و می‌فرماید: لَا قَهَّ كَالْبُهْتِ. هیچ وقاحتی مانند آن نیست. (غررالحکم، حدیث ۴۴۳۸)

امام صادق (ع) می‌فرماید: مَنْ إِتَهَمَ أَحَاهُ فِي دِينِهِ فَلَا حُرْمَةَ بَيْنَهُمَا. هر کس به برادر دینی خود تهمت زند حرمتی میان آن دو به جا نمی‌ماند. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۶۱)

ایشان در خصوص اثر تهمت در قلب انسان می‌فرماید: إِذَا إِتَهَمَ الْمُؤْمِنُ أَحَاهُ إِنَّمَا الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ. هرگاه مؤمن به برادر (دینی) خود تهمت زند، ایمان در قلب او ناپدید می‌شود همچنان که نمک در آب حل می‌شود. (همان)

آیه ۱۲ سوره نور تعبیر بسیار لطیفی دارد به این که مؤمنان باید همه اعضای جامعه خود را، که افراد مؤمنند، یکی بدانند و همگان را از خود حساب کنند و هر چه را که درباره خود نمی‌پسندند، درباره آنان هم نپسندند؛ زیرا گمان بد بردن درباره دیگر مؤمنان را گمان بد درباره خودشان بر شمرده است.

پس مؤمن همان‌طور که وضع خودش برای خودش روشن است، به خود گمان بد نمی‌برد و از حیثیت و آبروی خویش به سختی دفاع می‌کند، باید به مؤمنان دیگر نیز گمان بد نبرد و از حیثیت ایشان به سختی دفاع کند. بنابراین، نخستین وظیفه مؤمن در

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ ﴿١٢﴾ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُوذُوا لِحَبْلِهِ أَبَدًا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ نور، ۱۱-۱۸

برابر چنین جریانی آن است که آنرا تکذیب کند و با قاطعیت بگوید که این یک تهمت و افترای آشکار است. دومین وظیفه او این است که به گسترش آن دامن نزند و شایعه پراکنی نکند و بداند که این کار گناه سنگینی است. (مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، جلد سوم، صفحه ۲۱۵)

اما آثار بهتان و تهمت به انسانها تبعاتی دارد که در کتاب اخلاق الهی آیت... مجتبی تهرانی به شرح ذیل آمده است: گناه آشکار: از نظر قرآن دادن هر گونه نسبت ناروا در هر شکل و قالبی بویژه بهتان یک گناه آشکار است. (نساء، آیه ۲۰) ارتکاب حرام: از آنجا که نسبت ناروا گناه است، از نظر شرعی حرام بوده و مرتکب آن نیز مرتکب حرام شده است. (نحل، آیه ۱۱۶)

دروغ: چنین نسبت‌های ناروا حتی اگر از نظر گوینده آن درست باشد، به دلیل آنکه اثبات نشده، از مصادیق دروغ بوده و آثار دروغ بر آن بار می‌شود.

ظلم: از نظر قرآن، نسبت ناروا دادن به ویژه به پیامبر(ص) موجب قرار گرفتن در زمره ستمگران و ظالمان است. (یونس، آیات ۳۸ و ۳۹)

بدفرجامی: کسی که نسبت ناروایی می‌زند باید بداند که به سرانجام بدی دچار می‌شود و بدفرجامی پاداش آن است. (یونس، آیات ۳۸ و ۳۹)

عذاب اخروی: نسبت دهنده ناروا گرفتار عذاب اخروی خواهد شد. (نحل، آیات ۲۴ و ۲۷؛ نور، آیه ۲۳) توبیخ: کسی که به دیگری بویژه همسرش نسبتی ناروا می‌دهد از سوی خداوند مورد توبیخ قرار می‌گیرد. (نساء، آیه ۲۰) لعن و نفرین: خداوند کسانی را که نسبت ناروا می‌دهند لعن و نفرین می‌کند. (نور، آیات ۶ و ۷) در این آیات بیان می‌شود که این لعن و نفرین الهی دامنگیر تهمت زنان در دنیا و آخرت خواهد شد.

جرم و اجرای حدود: برخی از نسبت‌های ناروا از نظر حقوقی جرم تلقی می‌شود و بر نسبت دهنده به عنوان مجرم کیفرهای مشخص شده در قانون از جمله حدود جاری می‌شود. خداوند در آیه ۴ سوره نور می‌فرماید که افترا به زن عقیف بدون داشتن شاهد، سبب محکوم شدن به هشتاد تازیانه است.

عدم قبولی گواهی: افترا به زنان عقیف، در پی دارنده عدم پذیرش گواهی و شهادت شخص افترا زننده در محاکم خواهد شد. (نور، آیه ۴)

فسق: افترا به زنان عقیف بدون داشتن شاهد، سبب فسق شخص افترا زننده می‌شود و احکام فاسق بر وی بار می‌گردد. (نور، آیه ۴) پیامبر(ص) نیز می‌فرماید: و اما علامه الفاسق فاربعه: اللهو، و للغو، و العدوان، و البهتان؛ فاسق چهار نشانه دارد: (اشتغال به) لهو، لغو، دشمنی و بهتان. (بحارالانوار، جلد ۱، صفحه ۱۲۰)

ذوب شدن ایمان: هر گونه نسبت ناروایی به دیگری به ویژه مومنان موجب ذوب شدن ایمان و از دست رفتن آن می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: هرگاه مومن به برادر دینی خود تهمت بزند، ایمان در قلب او از میان می‌رود، همچنانکه نمک در آب، ذوب می‌شود. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۶۱)

حرمت‌شکنی: حریم‌ها با مراعات حقوق یکدیگر در جامعه حفظ می‌شود. کسی که نسبت ناروا می‌زند حریم‌ها و حرمت‌ها را می‌شکند و احترامی برای خود و دیگری نمی‌گذارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «من اتهم اخاه فی دینه فلا حرمة بینهما، هر کس به برادر دینی خود تهمت زند حرمتی میان آن دو به جا نمی‌ماند». (همان)

در تلی از آتش: کسی که نسبت ناروا می‌زند باید خود را آماده کند تا در دوزخ بر تلی از آتش بایستد و بسوزد. پیامبر اسلام فرموده است: کسی که به مرد یا زن با ایمان تهمت بزند و یا درباره او چیزی بگوید که در او نیست، خداوند در روز قیامت او را بر تلی از آتش قرار می‌دهد تا از مسئولیت آنچه گفته است درآید. (بحارالانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۹۴)

بدترین مردمان: پیغمبر اکرم یک وقت در حضور اصحاب فرمود: آیا به شما خبر بدهم که بدترین مردم کیست؟ گفتند: بلی یا رسول!... فرمود: بدترین مردم آن کسی است که خیر خودش را از دیگران منع می‌کند و هر چه دارد تنها برای خودش می‌خواهد. حاضران گمان کردند با این مقدمه دیگر بدتر از این افراد کسی نیست. حضرت فرمود: آیامی‌خواهید به شما بگویم از این بدتر کیست؟ صنف دیگری را ذکر فرمود. اصحاب گفتند: خیال کردیم بدتر از این گروه دوم دیگر کسی نیست. بعد فرمود: آیا

می‌خواهید از آن بدتر را به شما بگویم کیست؟ گفتند از این بدتر هم مگر هست؟ آنگاه صنف سوم را فرمود: بدتر از این افراد، مردمان بدزبان فحاش تهمت زن و آبروبرند. اینجا دیگر حضرت توقف کرد، یعنی بدتر از اینها دیگر وجود ندارد. (همان) بی‌شرمی: امام علی(ع) می‌فرماید: «لا قحة کالبهت؛ هیچ بی‌شرمی و وقاحتی چون بهتان زدن نیست». (غررالحکم، حدیث ۴۴۳۸) بزرگتر و سنگین‌ترین جرم: امیرمومنان امام علی(ع) می‌فرماید: «البهتان علی البری اعظم من السماء؛ بهتان زدن به آدم بی‌گناه بزرگتر از آسمان است». (بحارالانوار، جلد ۷۸، صفحه ۳۱)

ابتلا به بدتر از آن: امام سجاد(ع) می‌فرماید: «من رمی الناس بما فیهم رموه بما لیس فیهم؛ هر کس به مردم عیبی را نسبت دهد که دارند؛ مردم به او عیبی را که ندارد؛ نسبت دهند». (همان، جلد ۷۸، صفحه ۱۶۰)

بدترین همنشین: پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «اولی الناس بالتهمة من جالس اهل التهمة؛ سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با متهمان و افراد مظنون همنشینی کند». (ابن بابویه، محمدین علی، ۱۴۰۵ ه.ق، صفحه ۲۸)

گرفتار چرک‌های دوزخیان: امام صادق(ع) فرموده است: هر کس به مرد یا زن مومن بهتان زند خداوند در روز رستاخیز او را در طینت خبال ننگه دارد تا حرف خود را پس گیرد.

نشانه بی‌ایمانی: برای هر چیزی نشانه‌ای است، امور باطنی نشانه‌هایی دارد، نشانه ایمان ترک تهمت و نشانه بی‌ایمانی گرفتاری به تهمت است. امام علی(ع) فرموده است: المؤمن لا یغش اخاه، و لا یخونه، و لا یخذله، و لا یتهمه؛ مومن با برادر مومنش فریبکاری نمی‌کند و به او خیانت نمی‌ورزد و او را خوار نمی‌سازد و به او تهمت نمی‌زند. (بحارالانوار، جلد ۲، صفحه ۱۴۳) (تهرانی، مجتبی، ۱۳۸۵)

گاهی فرد اقدام به زدن تهمت زدن به خدا می‌نماید که از مذموم‌ترین تهمت هاست. بر اساس قرآن اتهام و افترا به خدا آثار و چون قرار گرفتن در ردیف مجرمان (یونس، آیه ۱۷)، ذلت و خواری (اعراف، آیه ۱۵۲)، زیانکاری و تباهی (اعراف، آیه ۵۳؛ انعام، آیه ۱۴۰)، ظلم و ستم (آل عمران، آیه ۱۹۴؛ انعام، آیه ۲۱)، خشم و غضب الهی (اعراف، آیه ۱۵۲)، فریفتگی (آل عمران، آیه ۲۴)، کفر (مائده، آیات ۷۲ و ۷۳؛ اعراف، آیه ۳۷)، گمراهی (انعام، آیات ۱۴۰ و ۱۴۴)، محرومیت از رستگاری (انعام، آیه ۲۱؛ یونس، آیه ۱۷)، محرومیت از هدایت (انعام، آیات ۱۴۰ و ۱۴۴، صف، آیه ۷) و لعن و نفرین الهی (مائده، آیه ۶۴؛ توبه، آیه ۳۰) دارد. امروزه دسترسی به فضای مجازی بسیار آسان است و کاربران خواسته یا ناخواسته مسائلی از زندگی شخصی خود را به اشتراک می‌گذارند یا اینکه برخی از اطلاعات شخصی افراد با اغراض مختلفی چون آبروریزی به سرقت می‌شود این نیز بر اساس شایعه‌ای تهمت‌های ناشایستی و اشخاص زده می‌شود.

گروهی با مقاصد گوناگون به بزرگان جامعه یا افراد مشهور دیگر تهمت می‌زنند. برخی نیز برای سرگرمی یا به دلیل ضعف فرهنگی به تهمت زدن به افراد معمولی یا حتی ضعیف می‌پردازند یا به گونه‌ای عمل می‌کنند که زمینه تهمت زدن به این افراد فراهم شود. کاربران با الگو گرفتن از قرآن باید مفهوم تقوا را در فضای مجازی رعایت کنند و از تکرار تهمت خطاب افراد معمولی یا ضعیف نیز خودداری کنند.

هرچند در خصوص تهمت و افترا می‌توان اقدام قانونی کرد و با ابزارهای فعلی در فضای مجازی اثبات این که این عمل از چه کسی سرزده است، خیلی دشوار نمی‌باشد، لیکن فرد می‌بایست به علت پیامدهای زشت این عمل و اشاعه فرهنگ صحیح اسلامی اقدام به این عمل ننماید.

غیبت دیگران

صاحح اللغه می‌گوید: «غیبت آن است که انسان پشت سر کسی که عیب و عملش پوشیده است سخنی بگوید که اگر به گوش او برسد ناراحت شود».

مصباح المنیر می‌گوید: «غیبت آن است که عیوب پنهانی کسی را که از فاش شدن آن ناراحت می‌شود (پشت سر او) باز گویی کنی».

مرحومه شیخ انصاری از بعضی از بزرگان علما نقل کرده است که اجماع و اخبار معصومین(علیهم السلام) دلالت دارد بر این که حقیقت غیبت آن است که از دیگری (در پشت سرش) چیزی بگویی که اگر بشنود ناراحت شود. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷)

اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب(ع)، جلد ۳، صفحه ۱۰۴)

غیبت بر چند قسم است:

گفتاری: یعنی انسان نقص برادر مؤمنش را به دیگری بگوید.

نوشتاری: یعنی عیوب مسلمانی را بنویسند و یا در مجله و روزنامه منتشر کنند.

کرداری: مثل راه رفتن شبیه اعرج یا به چشم و ابرو و حرکت دست و سر و امثال این‌ها اشاره به نقص کسی کند که این را محاکات گویند.

کنایی: غیبت به کنایه، مثل این که گویی: الحمد لله که خدا ما را مبتلا نکرد به هم‌نشینی ظلمه. یا به حب ریاست. یا سعی در تحصیل مال. یا بگویی: نعوذ بالله از بی‌شرمی. یا خدا ما را محافظت کند از بی‌شرمی. و غرض از این‌ها کنایه به شخصی باشد که مرتکب این اعمال باشد. و بسا که چون خواهد که غیبت کسی را کند از راه ریا و تشبیه به صلحا، ابتدا مدح او را می‌کند و مذمت خود را نیز می‌کند چنانچه می‌گوید: فلان شخص چه بسیار خوب شخصی بود و روزگار او را نیز مثل ما کرد و از دست شیطان خلاصی نیافت و یا این که بگوید فلان کاسب آدم خوش‌انصاف! و ارزان فروشی است! و طوری بگوید که کنایه از بی‌انصافی و گران‌فروشی فرد مورد نظر باشد.

تعریض: مثل این که بگوید الحمد لله من مبتلا به فلان چیز و یا فلان عمل نیستم و نظرش گوشه‌زدن به کسی است که دارای فلان چیز یا فلان عمل است.

اشاره‌ای: مروی است که: «زنی بر عایشه وارد شد چون بیرون رفت عایشه با دست خود اشاره کرد که این کوتاه است. حضرت فرمود که غیبت او را کردی.»^۱

قرآن جهت بیان اندازه زشتی و بزرگی این گناه، غیبت کردن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. ای مؤمنان از بسیاری از گمانها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است، و [در کار دیگران] تجسس نکنید، و بعضی از شما از بعضی دیگر غیبت نکنند، آیا هیچ کدام از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد، که از آن تنفر دارید، و از خداوند پروا کنید که بی‌گمان خداوند توبه‌پذیر مهربان است (سوره حجرات، آیه ۱۲).

در تفسیر نمونه می‌خوانیم: «سرمایه بزرگ انسان در زندگی حیثیت و ابرو و شخصیت او است، و هر چیز آن را به خطر بیندازد مانند آن است که جان او را به خطر انداخته باشد، بلکه گاه ترور شخصیت از ترور شخص محسوب می‌شود، و اینجاست که گاه گناه آن از قتل نفس نیز سنگین تر است. یکی از فلسفه‌های تحریم غیبت این است که این سرمایه بزرگ بر باد نرود، و حرمت اشخاص در هم نشکند، و حیثیت آنها را لکه دار نسازد، و این مطلبی است که اسلام آن را بااهمیت بسیار تلقی می‌کند. نکته دیگر اینکه غیبت بد بینی می‌آفریند، پیوندهای اجتماعی را سست می‌کند، سرمایه اعتماد را از بین می‌برد، و پایه‌های تعاون و همکاری را متزلزل می‌سازد. می‌دانیم اسلام برای مساواة وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی و انسجام و استحکام آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است، هر چیز این وحدت را تحکیم کند مورد علاقه اسلام است، و هر چیز آن را تضعیف نماید منفور است، و غیبت یکی از عوامل مهم تضعیف است. از اینها گذشته غیبت بذر کینه و عداوت را در دلها می‌پاشد، و گاه سرچشمه نزاعهای خونین و قتل و کشتار می‌گردد. خلاصه این که اگر در اسلام غیبت به عنوان یکی از بزرگترین گناهان کبیره شمرده شده به خاطر آثار سوء فردی و اجتماعی آن است.» (تفسیر نمونه، جلد ۲۲، صفحه ۲۱۸)

روایات فراوانی نیز در قبح عمل غیبت از معصومین (ع) نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام علی علیه السلام: السامع للغيبه كالمعتاب. شنونده غیبت، مانند غیبت کننده است. (غررالحکم، حدیث ۱۱۷)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: إحدَر الغيبه و التمیمه؛ فإن الغيبه تُفطر، و التمیمه تُوجب عذاب القبر. از غیبت و سخن چینی حذر کنید؛ زیرا غیبت مُفطر است و سخن چینی موجب عذاب قبر می‌شود. (بحارالانوار، جلد ۶، صفحه ۶۷، حدیث ۷۷)

امام علی علیه السلام: الغيبه جُهد العاجز. غیبت کردن، کار شخص ناتوان است. (نهج البلاغه، الحکمه ۴۶۱)

امام علی علیه السلام : الْعَاقِلُ مَنْ صَانَ لِسَانَهُ عَنِ الْغِيْبَةِ . خردمند کسی است که زبان خود را از غیبت نگه دارد. (غررالحکم، حدیث ۱۹۵۵)

امام علی علیه السلام : أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُعْتَابُ . منفورترین آفریدگان نزد خدا غیبت کننده است. (همان، حدیث ۳۱۲۸)
امام کاظم علیه السلام: مَلْعُونٌ مَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ . ملعون است کسی که از برادرش غیبت کند. (بحارالانوار، جلد ۹، صفحه ۳۳۳، حدیث ۷۸)

امام علی علیه السلام: الْغِيْبَةُ آيَةُ الْمُنَافِقِ . غیبت کردن، نشانه منافق است. (غررالحکم، حدیث ۸۹۹)
امام علی علیه السلام: الْهَمَازُ مَذْمُومٌ مَجْرُوحٌ . آدم عیب گو و غیبت کننده، نکوهیده و بی اعتبار است. (همان، حدیث ۳۷۳)
امام علی علیه السلام : الْكُذْبُ يُوجِبُ الْوَقِيْعَةَ . دروغ، باعث غیبت و بدگویی می شود. (همان، حدیث ۷۴۷)
در فضای مجازی ممکن است با استفاده از امکانات نوشتار، صوت و ویدئو کاربران مرتکب غیبت شوند. مطمئناً زشتی این عمل در فضای مجازی به مانند دنیای واقعی بوده و گاه همانگونه که در مقوله تهمت بیان شد، دامنه آن وسیع تر باشد. لذا می بایست نهایت دقت در ارتباطات و تبادل اطلاعات در فضای مجازی نمود، تا خواسته و ناخواسته گناه کبیره غیبت دامنگیرمان نشود.
تمسخر افراد

یکی از ناپسندترین صفات اخلاقی، تمسخر و طعنه زدن به دیگران است که ریشه در تکبر و خود بزرگ بینی دارد. در تفسیر المیزان میخوانیم، کلمه "سخریه" که مبدأ اشتقاق کلمه "یسخر" است، به معنای استهزا بوده، و استهزا عبارت است از: این که انسان چیزی بگوید که با آن، کسی را حقیر و خوار بشمارد، حال چه این که چنین چیزی را به زبان بگوید و یا به این منظور اشاره ای کند، و یا عملاً تقلید طرف را در آورد، به گونه ای که بینندگان و شنوندگان به طور طبیعی از آن سخن، یا اشاره و یا تقلید، بخندند. (تفسیرالمیزان، جلد ۱۸، صفحه ۳۲۱)

این عمل که عمدتاً با هدف تخریب و ترور شخصیت افراد و یا جلب توجه انجام می گیرد، در اسلام بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است. خداوند در این خصوص می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی، قوم دیگر را مسخره کند. شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی، زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند. از یکدیگر عیب نگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. چه ناپسند است نام زشت پس از ایمان. کسانی که توبه نکردند، ستمکار هستند. (سوره حجرات، آیه ۱)

آیه فوق مسخره کنندگان را در زمره ظالمین قرار داده است. همچنین روایات فراوانی در مورد نهی تمسخر داریم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَظْمَةٍ جَلَالِهِ وَقَدْرَتِهِ، فَمَنْ طَعَنَ عَلَيْهِ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ قَوْلَهُ، فَقَدْ رَدَّ عَلَيَّ اللَّهُ. خدای متعال مؤمن را از عظمت جلال و قدرت خویش خلق فرموده است، پس هرکس به وی طعن زند یا سخنش را نپذیرد، خدای را نپذیرفته است. (وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۱۲)

مسخره کننده اثر وضعی عملش بزودی ظاهر شده و به همان چیزی مبتلا می شود که دیگران را به آن تمسخر کرده است. پیامبر فرموده اند: مَنْ غَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّىٰ يَرْكَبَهُ. هرکس مؤمنی را به چیزی طعن زند، نمی میرد تا همان را مرتکب شود. (بحارالانوار، جلد ۷۳، صفحه ۳۸۴) امام صادق (ع) می فرمایند: مَا مِنْ أُنْسَانٍ يَطْعَنُ فِي عَيْنِ مُؤْمِنٍ إِلَّا مَاتَ بِشَرِّ مَيِّتَةٍ وَكَانَ قَمِيْنًا أَنْ لَا يَرْجِعَ إِلَىٰ خَيْرٍ. کسی نیست که رو در رو به مؤمنی طعنه زند مگر اینکه به بدترین مرگها بمیرد و سزاوار است که به خیر بازنگردد. (وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۱۲)

کرامت و محدودیت ها

نظر به اینکه در فضای مجازی امکان پنهان نمودن و جعل هویت به راحتی میسر می باشد، کاربران این فضا گاه با استفاده از این قابلیت، رفتارها و گفتارهای ناپسندی را انجام می دهند که شاید صدور چنین مواردی از فرد در فضای واقعی اصلاً متصور نباشد. مجهول بودن هویت این جرات گستاخی را به فرد می دهد تا هنجارهای معمول در فضای واقعی را به راحتی در فضای مجازی بشکند و از این بابت شرم و حیای لازم را نداشته باشد. نهادینه شدن اخلاق در جسم و جان افراد می تواند مانعی برای اینگونه رفتارهای هنجارشکن در فضای مجازی باشد.

بحث و نتیجه گیری

کاربست کرامت در فضای مجازی

- کاربست های ایجابی کرامت در فضای مجازی

اغلب افرادی که در فضای مجازی هتاکی کرده و از واژه های نامناسب استفاده می کنند، در دنیای واقعی به مراتب افرادی مودب تر و با نزاکت تر هستند. اینکه همه ما در دنیای واقعی افراد مودبی هستیم از چشم هیچکس پنهان نیست، اما همه در فضای مجازی وکیل بدون مدرک می شویم و قضاوت های عجولانه در شبکه های اجتماعی باعث شده تا در مورد هر موضوعی، چه به ما ارتباط داشته باشد و چه نداشته باشد، اظهار نظر کنیم و گاهی از الفاظی استفاده کنیم که شاید در زندگی واقعی یکبار هم از آن استفاده نکرده ایم.

در فضای مجازی هم مانند فضای فیزیکی و واقعی می بایست آداب معاشرت را رعایت نمود. به آداب معاشرت شبکه ای نیتیکت^۱ گفته می شود که ترکیب انگلیسی دو عبارت شبکه^۲ و آداب معاشرت^۳ می باشد. این یک مساله مهم در زندگی آن لاین است که چطور می توانیم آزدگی را در فضای مجازی به حداقل ممکن برسانیم. نمونه ای از نیتیکت که در اینجا آورده شده است:

نخستین قانون، همان قدر که مورد تازه ای نیست، مهم است؛ احترام به دیگران و دغدغه هایشان. این احترام معادل ساکت بودن شما نیست. بلکه به این معناست که می بایست به شخصیت آن لاین هر کاربری احترام گذاشت. هر کس به واسطه کاربر بودنش، شایسته احترام است. پس در سخن گفتن با او و برخوردهایی که در پست الکترونیک، شبکه های اجتماعی، سرویس های پیام رسانی و امثال آن داریم بهتر است حواسمان به «حق آزادی عمل، حق رفتار آزادانه در چارچوب حقوق دیگران و گفتار» او باشد. اگر می خواهیم یک کاربر معتبر باشیم و البته خودمان هم مرعوب اعتبار سایتها و فضاهای مختلف آن لاین نشویم، لازم است در هر محیطی که وارد می شویم، نخست «قوانین» آن را بخوانیم.

تا جایی که می توانید و خطری شما را تهدید نمی کند. از نام حقیقی خود استفاده کنید. با این کار، مسوولیت حرفه ایی که می زیند را بر عهده بگیرید. این موجب می شود کسی به هویت شما شک نکند و احترام شما هم بیشتر حفظ شود.

اگر می خواهیم یک کاربر معتبر باشیم و البته خودمان هم مرعوب اعتبار سایتها و فضاهای مختلف آن لاین نشویم، لازم است در هر محیطی که وارد می شویم، نخست «قوانین» آن را بخوانیم. این قوانین که ویژه آن محیط خاص است، به طور معمول با عنوان «Policy» مشخص شده اند. هرگاه ایمیلی باز می کنیم، از سرویس تازه ای استفاده می کنیم یا عضو شبکه ای اجتماعی می شویم، فرض بر این است که ما این قوانین را پذیرفته ایم. آگاهی نداشتن ما از سازو کارها و هنجارها و آداب این سایتها می تواند برای خودمان بسیار گران تمام شود. اگر ناخوانده امضا شوند، حکم چک های سفید-امضایی را دارند که هر لحظه می توانند ما را به خاک سیاه بنشانند. خاکی سیاهی شاید به قیمت از دست دادن آدرس اینترنتی که سالها از آن استفاده می کنیم یا زیر سوال رفتن هویت آن لاین ما در شبکه های مانند فیس بوک.

شوخی خوب است، اما گاهی شوخیها به طعنه می ماند. از این نوع شوخیها حذر کنیم. ممکن است وقتی با یک نفر شوخی می کنید، مشکلی به وجود نیاید اما گاهی که در فیس بوک، مشغول شوخی کردن با دیگران هستیم، این از سوی خواننده های آن صفحه، می تواند به عنوان طعنه تلقی شده و او را آزار دهد. بهتر است از شوخیهایی که حالت متلک می گیرند، تا حد امکان پرهیز کرد.

راز مگو، گفتن ندارد. خیلی از ما در فضای مجازی از راز و رمز همدیگر خبر داریم. اما دلیل نمی شود تا آنها را در محیطی که دیگران در آن وجود دارد افشا کنیم. از این گذشته باید از اشاره به آنها طوری که تنها خود فرد آن را بفهمد هم خودداری کنیم. رازدار باشیم. چرا که ممکن است هرگونه اشاره ای برای طرف مقابل تبعاتی داشته باشد که ما از آن بی خبر باشیم.

^۱ Netiquette

^۲ Network

^۳ Etiquette

در شبکه‌های اجتماعی، هر کامنت جایی و هر لایک، زمانی دارد. افرادی که به صفحه‌ای می‌آیند تا چیزی بخوانند، توقع ندارند کامنت شما درباره مورد دیگری باشد. دقت کنید که درست همان چیزی که سوال شده را جواب می‌دهید یا پرسش خود را جایی مطرح می‌کنید که مخصوص همان بحث است. لایک‌های خود را هم نخوانده پای چیزی نگذارید. مطالب را به دقت بخوانید. اگر فردی درباره دوستی پیام اندوهناکی گذاشته و عکس او را هم گذاشته، شاید او در کما باشد و این به صراحت نوشته نشده باشد، دلیلی ندارد پای این عکس درباره تکنیک عکاسی صحبت شود و نیازی نیست درباره کچلی سر فردی که نمی‌شناسیم نظر بدهیم. اختیار صفحات شخصی شما با خودتان است. می‌توانید هرچقدر می‌خواهید در آن محتوای تجاری بگذارید. اما از صفحات دیگران به عنوان فرصتی برای کسب درآمد استفاده نکنید. این روزها خیلی پیش می‌آید که موسسات و کمپانی‌های کوچک یا خسیس، زمانی که می‌خواهند بر روی شبکه‌های اجتماعی تبلیغات کنند آن‌ها را به افرادی می‌سپارند که در کامنت‌های دیگران پیام تبلیغاتی مشخصی را منتشر کنند. چنین نقشی را هیچ‌وقت بر عهده نگیرید. چنین کاری نه به نفع شماست و نه به نفع شرکت تبلیغ کننده. ضد تبلیغ، گاهی به همین سادگی اتفاق می‌افتد و اعتبار تبلیغ کننده را هم زیر سوال می‌برد.

اگر توییت موفق است به خاطر ۱۴۰ کاراکتری بودن پیام‌هایی است که از طریق آن منتشر می‌شود. دیگر دوران طولانی نویسی مطبوعات چاپی و طومار نویسی که هیچ، حالا دیگر کمتر کسی حال و حوصله خواندن وبلاگ‌هایی با نوشته‌هایی حدود ۶۰۰-۷۰۰ کلمه را هم دارد. تا می‌توانید کوتاه و مختصر بنویسید. تا خواننده شوید و واکنش‌های خوبی بگیرید.

و اما نکته مهم: بعد از رعایت این موارد همیشه لازم است که پیش از انتخاب دکمه «ارسال» یک بار دیگر همه جملاتمان را بخوانیم، شاید چیزی از قلم افتاده باشد و یا منبع قابل قبولی برای پیاممان وجود نداشته باشد. بنابراین سعی کنیم بدون فکر پیامی را ارسال نکنیم.^۱

همچنین کمپین "در فضای مجازی مودب باشیم"، توسط فعالان شبکه‌های اجتماعی ایران راه اندازی شده و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

به دیگران احترام بگذاریم.

نظرات و اعتقادات دیگران را زیر سوال نبریم.

چیزی را که می‌خوانید و می‌پسندید فوراً به اشتراک نگذارید.

توهین به اعتقادات و ارزش‌های انسانی و دینی و قومی دیگران نکنید.

دلیلی ندارد درباره همه مطالب فضای مجازی اظهار نظر و قضاوت کنید.

- کاربست‌های سلبی کرامت در فضای مجازی

چنانچه در بخش قبل گفته شد، توهین به انسانها، تهمت و افترا زدن، غیبت دیگران و تمسخر افراد از جمله مصادیق عدم رعایت کرامت و حرمت در فضای مجازی می‌باشد که نفی آنها جنبه سلبی کرامت در فضای مجازی خواهد بود. متأسفانه در فضای مجازی، جنبه منفی مربوط به این اصل رواج فراوانی دارد و با دقت در موارد بیان شده در تبیین این اصل، به روشنی مشخص می‌گردد که اغلب مطالب جنبه منفی داشته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، نظریه حقوقی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)

^۱ <https://article.tebyan.net/۲۹۷۴۷۵/نتیجت-یا-آداب-معاشرت-شبکه-ای/>

- ای، محمدباقر، (۱۳۷۵)، اصول کافی، قم، اسوه کلینی، محمد بن یعقوب، مترجم و شارح: کمره تیمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۵ه.ق)، امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، بیروت، دارالاضواء
- تهرانی، مجتبی، (۱۳۸۵)، اخلاق الاهی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۸۶)، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (مترجم)، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- اسماعیلی، سیفی، محسن، محمد مهدی، (۱۳۹۷)، "مولفه های کرامت ذاتی انسان در اندیشه علامه طباطبایی"، تهران، مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، دوره ۴۸، شماره ۴
- نوربهار، رحیم، (۱۳۸۴)، "دین و کرامت انسانی"، مجموعه مقالات همایش بین المللی «مبانی نظری حقوق بشر»، جلد ۱، قم، دانشگاه مفید
- علامه جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۰)، "حق کرامت انسانی"، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۲۷، شماره ۰

ب- منابع غیر فارسی

1. Barros, Ornella.(۲۰۱۴).Child prostitution in Thailand .The state as a barrier to its effective elimination
2. Brannon, Robert,(۲۰۱۶) .Donald Trump And The Sex Industry. Volume ۱. Issue ۱. Article ۱۱. ۲۰۱۶ DOI:۱۰,۲۳۸۶۰/dignity.
3. Cedrangolo, Ugo.(۲۰۰۹). The Optional Protokol To The Convention On The Rights Of The Child On The Sale Of Children. Child Prostitution And Child Pornography And The Jurisprudence Of The Committee On The Rights Of The Child.
4. Ennew, Judith.(۲۰۰۸).Exploitation of children in prostitution. Thematic paper World Congress III Against the Sexual Exploitation of Children and Adolescents Rio de Janeiro. Brazil.For ECPAT International Unit
5. Trow, Gonzalo.(۲۰۱۹). Prostitution Of Chidren, <http://slideplayer.com/slide/۳۵۰۶۰۱۴/>
6. Montgomery, Heather,(۲۰۱۱).Understanding Human Trafficking And Its Victims.Volume ۹. Issue ۲.
7. Raymond ,Janice G.(۲۰۰۳). Ten Reasons for Not Legalizing Prostitution And a Legal Response to the Demand for Prostitution .Binghamton: Haworth Press
8. Sharma ,Srishti.(۲۰۱۴). Why Prostitution Should Be Criminalized, Institute Of Law. Nirma University.Ahmedabad

۹. Schulze, Erika.(۲۰۱۴). Sexual exploitation and prostitution and its impact on gender equality. European Parliament .B-۱۰۴۷ Brussels
۱۰. Sohal, Roopreet K.(۲۰۱۳).The Exploitive Nature Of Prostitution And Sex Trafficking In India . San Marcos. Texas , THESIS for degree :Master of ARTS.
۱۱. Suárez-Orozco, Marcelo & Suárez-Orozco, Carola (۲۰۱۳), “The Empire of Suffering: Trafficking of Children in the Global Millennium”,**Trafficking in Human Beings: Modern Slavery**, Workshop ۲-۳
۱۲. UNODC(۲۰۱۸), **Global Report on Trafficking in Persons**, United Nations Office On Drugs And Crime, New York.
۱۳. UNICEF.(۲۰۰۹). Handbook On The Optional Protocol On The Sale Of Children, Child Prostitution And Child Pornography. UNICEF Innocenti Research Centre Piazza SS. Annunziata, ۱۲۵۰۱۲۲ Florence, Italy